

# آخرین تلاش های نورالدین کیانوری برای بیان نظراتش

آنچه را می خوانید متن تایپ شده یکی از نامه های زنده یاد نورالدین کیانوری است، که خود باندازه کافی گویای موقعیت او و تلاش برای داشتن نوعی ارتباط جهت ارسال نوشته هایش است. با کمال تأسف، این ارتباط آنگونه به نتیجه نرسید که بتوان همه نوشته های وی را به خارج از کشور منتقل کرد. برخی تلاش های شخص او برای دسترسی به فاکس و مسافر مطمئن به نتیجه رسید و نامه ها و مطالبی را توانست به راه توده برساند. از آنجا که هنوز آن یاری دهندگان در قید حیات اند، ما نمی توانیم در باره این بخش چیزی بنویسم، اما بموقع خود قطعا این کار را خواهیم کرد. برخی مقالات ارسالی کیانوری با اسامی مستعار و یا بدون نام در راه توده منتشر شد و این خواست خود او بود. بتدریج آن مقالات را بار دیگر و با نام خود وی منتشر خواهیم کرد. سعی خواهیم کرد محدود نامه ها و یادداشت هایی که به مناسبت های گوناگون ارسال کرده را نیز منتشر کنیم. این کار را از همین شماره و با نامه ای که در زیر می خوانید آغاز کرده ایم. از نظر ما، اینها اسناد تاریخی حزب است و زمان انتشار آنها گویا فرا رسیده است.

بخش اول نامه زیر، همانگونه که از متن آن پیداست، در ارتباط با سلسله مقالاتی است که آقای مجید فیاض نویسنده خاطرات "از باغ قصر تا قصر آرزوها" در هفته نامه نیمروز با عنوان "با همان ماژیک" در باره سیاست حزب توده ایران در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی نوشته و در 14 شماره منتشر کرده بود. ما کوشیدیم این نوشته ها را به کیانوری برسانیم که خود در نامه اش پیرامون نحوه رسیدن آن توضیح داده است. کوشش خواهیم کرد سلسله نوشته های آقای مجید فیاض که در پاسخ به مسعود بهنود نوشته بود را نیز در راه توده بتدریج منتشر کنیم.

با این مقدمه، حال خواندن متن تایپ شده نامه سال 98 کیانوری - که اصل آن را بصورت عکس نیز در این شماره منتشر کرده ایم- قابل درک تر می شود:

**دوست گرامی-** نامه پرمهرتان با یک برگ از نوشته آقای مجید فیاض رسید. هم شاد شدم و هم تأسف خوردم. تأسف از اینکه من تنها از این نوشته بسیار جالب دو برگ اولش که باید به حساب شماره های 1 تا 4 گذاشت به دستم رسید. مسلما شما برگ های دیگر را هم احتمالا با نامه برایم به همان نشانی فرستاده اید و آنها را "آقایانی" که علاقه زیاد به خواندن نامه های دیگران- و بویژه نامه ای که برای یک زندانی در حال مرخصی می رسد- دارند آنرا خوانده و برای خود برداشته اند. خواهش می کنم شماره های 5 تا 12 را که 4 برگ می شود بدون نامه در یک پاکت مانند نامه اخیرتان به همان نشانی بفرستید. روی پاکت لازم نیست بنویسد: "برای پدر"، همان نام صاحب خانه کافی است.

درباره نوشته های دیگرم که چاپ نکرده ام این اشکال هست که یک نسخه از آنها نزد زندانیان است و اگر در بیرون کشور چاپ شود برای من دردسر ایجاد خواهد کرد. گذشته از این مشکل بزرگتر فرستادن آن است که با پست نمی شود و مسافری که شهادت بردن اینگونه نوشته ها را داشته باشد از کجا پیدا کنم. همین اشکال هم برای مقاله ای درباره اوضاع کنونی وجود دارد. تنها راه این است که اگر شما فاکس در اختیارتان هست، شماره اش را برایم بفرستید که اگر مطلب به درد خوری داشتیم بوسیله فاکس برایتان بفرستیم. آنهم

برای مطالب 3 چهار صفحه ای ممکن است نه برای نوشته 50-60 صفحه ای. (به علت گرانی)

من در جستجوی دوست قابل اطمینانی هستم که دستگاه فاکس در اختیار داشته باشد. اگر پیدا کردم شماره اش را برایتان می فرستم. البته باید بوسیله مسافر مطمئن بفرستم زیرا نمیدانم که نشانی که این بار پشت پاکت بود زیر "بازرسی" نباشد.

از مهرتان سپاسگذارم و تندرستی و شادی و کامیابی تان را از ته دل خواستارم.  
3 اوت 1998

دوست گرامی - نامه بر مهرتان با یک برگ از نوشته آثار مجید ضامن رسید.  
من شدم و هم آنت خوردم. آنت از اینکه من تنها از این نوشته بیجا بطلب  
و برگ او نشکر که بیهوده حساب سارایا ایام گذشت به دستم رسید. مسأله شما بچه‌ها  
و مگر با هم احتمالاً با نامه برایم به ۵۰ نشانی فرستادید و آنها را آنتی "که علامت زیاد  
به خواندن نامهای دیگران - و بعد از نامه ای که بر روی بسته آنها در حال مرخصی ما بود - نامه  
آنها خوانند. و بر این خود بوده اند. خود من میگویم شماره ای ۵ تا ۱۲ را که هم برگ  
می شد بدون نامه در یک پاکت نامه ای که در میان آنها بود بود. روی پاکت  
لوزم نیسند بیدید: بویا بریز - ۷ نام صاحب خانه که فرستاد.  
در باره نوشته های دیگر هم که سابق بگردانم این روش است که یک بسته از آنها نزد فرستادگان  
است و اگر در جیب پاکت بود در میان آنها در حساب کرد. نگذاشته از این شکل فرستاد  
فرستادن آن بسته که با بسته شما بود و ما فرستادیم که ساخت بدون اینکه نوشته ای را  
در بسته بسته از کجا پیدا کنم. همین روش هم بواسطه ای در باره رونمای کردنها و جودار را  
تفاوت این است که اگر شما فاکس روختی تا آن است. شماره من را برایم بفرستید که اگر  
مطلب به درد خودی داشته برسد فاکس برایتان بفرستم. آنهم بجز مطالب موجود در نسخه ای  
ممنون است نه بفرستید. ۵۰ - ۵۰ نسخه ای - (به جهت گرانی)  
من در جستجوی دوست قابل اطمینانی هستم که دستگاه فاکس در اختیار داشته باشد. اگر  
پیدا کردم شماره اش را برایتان می فرستم. البته باید بوسیله مسافر مطمئن بفرستم زیرا  
نمیدانم که نشانی که این بار پشت پاکت بود زیر "بازرسی" نباشد.  
از مهرتان سپاسگذارم و تندرستی و شادی و کامیابی تان را  
از ته دل خواستارم  
۳ اوت ۱۳۹۸